

اشتباهات در ترجمه و تفسیر نام گیاهان مذکور در قرآن مجید
"سطح نگری در قرآن مجید"

به جواب استاد عبدالعلی نور احراری
منتقدین پروفیسور محمد شفیق یونس فاقد صلاحیت علمی هستند
دکتور محمد فرید یونس

جناب استاد عبدالعلی نور احراری که از دوستان جناب آقای استاد سیرت هستند به دفاع از جناب استاد سیرت در شماره ماه نوامبر ماهنامه فقه قد اعلم کرده اند تا حرمت دوستی را حتی که بی حرمتی در مقابل علم باشد و به بی عدالتی انجامد جبران کرده باشند. قسمت دوم مضمون جناب احراری در ماه دسامبر به نشر خواهد رسید. ما احتیاج نداریم که منتظر قسمت دوم باشیم زیرا قسمت دوم هم دفاع از یک سلسله جفنگ است که در قسمت اول به نشر رسیده است. شما خوانندگان گرامی می دانید که مرغ مذهبیین به اصطلاح مشهور کابلیان «یک لنگ» دارد. این طبقه که با تعصب و تنگ نظری جوامع اسلامی را به رکود مواجه ساخته اند هرگز از موقف غیر علمی و خرافاتی خود بیرون نه می شوند و اینها نه به تحقیقات عقیده دارند، نه به آزادی بیان و کلام عقیده دارند و نه به تساوی حقوق مدنی زنان با مردان. درین جواینامه من به مسایل که در گذشته به جواب آقای سلجوقی و آقای سیرت پرداختم و موضوعات را از نگاه علمی در مورد نباتات مطرح کردیم نه می خواهم تکرار احسن بنویسم زیرا جواب من به عالیجنابان سلجوقی و سیرت بسیار مسایل را برای اهل علم و تحقیقات روشن ساخت و نا گفته نماند که بسیار استقبال هم شد. هم در مورد تفسیر و ترجمه قرآن و هم اشتباهات شان در مورد ترجمه نباتات بر ملا شد. جناب پروفیسور یونس گفتند (و من این مطلب را قبلاً نوشتم) که جناب شان کار علمی خود را انجام دادند و با تحقیقات نشان دادند که شماری از نباتات در قرآن توسط دانشمندان گذشته به اشتباه ترجمه شده و معنی درست آن را به مردم پیشکش کردند. کار او تمام شد و جناب سلجوقی و جناب سیرت قسمیکه گفتیم چیزی جدید نگفتند و تکیه به مطالعات کهنه می کنند که دیگر جواب ندارد. استاد احراری هم سخن جدید نگفته است فقط از همان متون غیر علمی که دوستانش استفاده کرده و بر اساس تحقیقات علمی نبات شناسی نیست تکرار عین مطلب را که جناب سیرت نوشته است، او هم تکرار کرده است تا از دوست خود دفاع کرده باشد. اینکه قناعت می کنند و یا نه می کنند کار پروفیسور یونس نیست و او نه می خواهد با یک مردم لجوج و مردم که حالا همه می دانند اشتباه شان بر ملا شده است و اخلاق علمی معذرت خواستن را هم ندارند، و فاقد صلاحیت علمی هستند، دیگر گفتنمان داشته باشد. و اما کار من تمام نشده است زیرا جناب استاد احراری نوشته اند که «به جای اینکه جناب پروفیسور محمد شفیق یونس از صورت قناعت و یا عدم قناعت خود چیزی بنویسد، برادر شان جناب داکتر محمد فرید یونس وارد میدان شده و در برنامه تلویزیونی، حسب عادت همیشگی بر این دو شخصیت محترم و علمی کشور که خدمات ارزنده شان در عرصه علوم اسلامی چون آفتاب نمایان است تاخت و تاز نموده، برادر خود را حق به جانب و این دو عالی جناب را ملامت نموده اند». بلی من در تلویزیون گفته ام که ما نه می توانیم ازین به بعد این همه «جفنگ» را قبول کنیم. جفنگ در لغت یعنی بیهوده. اینکه شما مذهبیین که سالها دین را در انحصار خود گرفته اید و امروز در اثر تحقیقات جفنگ شما نمایان شده است، و مردم را کور نگاه کردید؛ منبعد باید بر ملا شود و اجازه دهید تا مردم تصمیم گیرند. اینکه شما به اشتباهات خود

اعتراف نه می‌کنید ، خودخواهی شما است نه اینکه حق به جانب هستید. و اینکه امروز در اثر تحقیقات علمیت ناقص مترجمین قرآن زیر سؤال می‌رود نباید زیاد تر مردم را گول زنید. یقین داشته باشید که مردم دیگر گول جعل ، فریب کاری و فتوای های مضحک شما را نه می‌خورند. شما امروز به جای اینکه یک سند علمی ارائه کنید از لجابت کار میگیرید و پای را در یک موزه کردید که نی شما حق به جانب هستید و یک گیاه شناس قرآن را نه می‌داند و شما می‌دانید. درین جوابنامه که برای بار آخر می‌نویسم و با این نوشتن جواب مذهبیین کافی داده میشود و دیگر نه می‌خواهم وقت مردم را بگیرم ، می‌خواهم که علمیت شما مذهبیین را زیر سؤال برم زیرا از نگاه اکادمیک شما فاقد صلاحیت علمی می‌باشید و حتی این حق را باید به خود ندهید که یک پروفیسور را انتقاد کنید که سی و پنج اثر علمی دارد در زیاد تر از صد کنفرانس علمی بین المللی شرکت کرده است و زیاد تر از یک صد و پنجاه تحقیقات علمی وی در مجلات ساینس بین المللی به نشر رسیده است. دیگر پشت نباتات نروید زیرا حالا ما معنی درست آنرا می‌دانیم و ضرور نیست دیگر باقلی را سبزی گوئیم و فوم را گندم. حالا زیاد تر روشن می‌سازیم که این به گفته شما «نوران آفتاب» دیگر چه گل را به آب داده اند و مطلق فاقد صلاحیت علمی هستند

جناب آقای احراری شما لطفاً به ما بگویید که یک اثر علمی جناب سیرت در کجا به چاپ رسیده است؟ که از خودش باشد نه ترجمه و بررسی کار های دیگران که به عنوان یک شخص سر شناس مردم برایش می‌فرستند. او هم آن را سرسری می‌بیند و من ثابت ساختم که در ترجمه لوء لوء و مرجان اشتباهات رخ داده است. ترجمه کار دیگران یک تشبث علمی است و اما کار و اثر علمی نیست. اثر علمی برای آن کسی است که او زحمت کشیده و از مغز خود به رشته قلم آورده است. کار و اثر علمی از نگاه اکادمیک آنست که محقق خودش در یک زمینه تحقیق کرده باشد نه اینکه کار دیگران را آنهم به غلط ترجمه کرده باشد. اینکه زمانی وزیر بود و به خاطر نزدیکی با مرحوم محمد ظاهر شاه که عربستان سعودی از او حمایه میکرد و آقای سیرت را در یکی از دانشگاه های سعودی کار دادند نه میتواند که مقام علمی یک شخص تثبیت شود. بلی در رشته سیرت نبی (ص) در مصر تحصیل کرده است و یک ماستری دارد و از یک دانشگاه بی نام و بی نشان که آن هم بسته شده است و دیگر وجود ندارد یعنی پسفیک وسترن که رشته اسلامی را قطعاً نداشت و تدریس نه میشد دکتورای افتخاری دارد نه اینکه دکتورای اکادمیک داشته باشد. پسفیک وسترن چون معیار علمی نداشت توسط وزارت مقامات عالی دانشگاهی امریکا بسته شد و حالا یک شرکت تعلیمی دیگر آن را خریداری کرده است. شما لطفاً به ما بگویید که دکتورای جناب سیرت در امریکا که در سوانح خود می‌نویسند زیر کدام شماره در کتابخانه کانگرس ثبت است؟ شما بگویید که عنوان تز دکتورای شان چیست؟ آیا این یک عمل اخلاقی است آنهم به گفته شما "عالم دین" که به مردم دروغ گوید و به گفته کابلیان "خدا کشته را به قربانی حساب دهد"؟ و مردم را گول زند در حالیکه همچو سند علمی ندارد و پسفیک وسترن یک کالج شخصی بود و معیار بلند علمی نداشت و به همین منظور بسته شد. (خوانندگان گرامی میتوانند در مورد این کالج بی نام و نشان (گوگل) کنند و ببینند که من یک حرف درین مورد غلط نه گفته ام) اگر جناب سیرت یک مقام علمی میداشت پس چطور که نتوانست در امریکا استاد شود؟ ما از اسلام آموختیم که علم سرحد نه می‌شناسد. در هر جا میتوان از علم استفاده کرد ، حتماً می‌گویید که جناب استاد به زبان انگلیسی به طور کافی آشنایی ندارد. عجباً که یک «پروفیسور ، دکتور و استاد» به زبان انگلیسی

که زبان بین‌المللی است آشنایی کافی ندارد که تدریس کند؟ پس چطور شد که از امریکا دکتورا گرفت؟ آقای احراری: آیا این مقام علمی است که جناب شان نکاح دختر چهار ساله را در قرن حاضر تأیید میکند؟ من نوار این گفتار شانرا در کتابخانه خود دارم که احتیاج به جستجو نیست زیرا یکی از طرفداران آقای سیرت یک روز گفت که این موضوع را تهمت کرده اند. تهمت در اسلام حرام است و من نوار آنرا شخصاً دارم. اگر شما این مطلب را تأیید می‌کنید پس شما خود کودک ستیز هستید. لطفاً جواب گویند آیا نکاح صغیر روا است؟ حدیث آن در کجاست؟ چه زمانی همچو سخن از دهن پیشوای اسلام روایت شده است؟

جناب احراری شما نوشته‌اید که کار های شان در عرصه علوم اسلامی چون آفتاب نمایان است. همان تدقیق لوء لوء و مرجان که ده اشتباه در ترجمه دارد؟ من تا امروز در هیچ کتابخانه یک اثر علمی جناب سیرت را پیدا کرده نتوانستم. جناب سیرت قرآن را به تفسیر گرفته و همان اشتباهات که دیگران کرده باز هم تکرار کرده است. اینکه علمی نشد. کار علمی آنست که یک محقق یک مطلب جدید را نوشته باشد و یا اشتباهات دیگران در کار خود اصلاح کرده باشد چنانچه پروفیسور اشتباهات ایشان را اصلاح کرد. در گذشته مثال تاریخی را آوردیم که زدن زن را آقای سیرت در قرآن تأیید کرده‌اند و آنرا معجزه گفته است. آیا این یک کار علمی است؟ آقای احراری اگر شما زدن زن را در خانه تأیید می‌کنید پس شما مانند جناب سیرت زن ستیز هستید

جناب سیرت زیاد عمر خود را در خدمت یک پادشاهی بود که وقتی پادشاه شد، از پادشاهی خود خبر نداشت و وقتی از سلطنت مخلوع ساخته شد هم خبر نداشت. (بلی مرحوم محمد ظاهر شاه را بعد از قتل پدرش، محمد نادر شاه، پادشاه ساختند. نه تنها برای اینکه ولیعهد بود، محروم حضرت نورالمشایخ زود دست به کار شد تا سردار محمد هاشم خان که در دیکتاتوری و ظلم شهره بود و در وقت حادثه قتل محمد نادر در میمنه بود، پادشاه نه شود. با اینکه محمد ظاهر شاه، پادشاه شد و اما سردار محمد هاشم خان زمام مملکت را به عهده داشت و پادشاه جزئی ترین نقش سیاسی نداشت و تنها یک شاه سمبولیک بود. و همچنان پادشاه وقتی که توسط مرحوم سردار محمد داوود مخلوع ساخته شد، در روم بود و از حادثه بیست و ششم سرطان در کابل خبر نداشت که یک عضو خانواده اش سلطنت را از او گرفته است). جناب سیرت به واسطه مرحوم محمد ظاهر شاه به شهرت رسید و چون در دانشگاه یک کشور پسمانده مانند عربستان سعودی که در بی عدالتی، زن ستیزی و وهابی گری مشهور است درس میداد، مردم او را استاد گفتند. سطح تحصیل به اندازه در عربستان سعودی پایان است که با ماستری میتوان تدریس کرد! در امریکا دید که لقب استاد کافی نیست و در اثر خدمات به شاه یک دانشگاه بی نام و نشان به جناب شان دکتورای افتخاری داد و از آن به بعد خود را پروفیسور و دکتور گفت

جناب احراری شما جناب سیرت را منحیث یک عالم دین می‌شناسید و این حق قانونی و شرعی شماست و شما هر دو یعنی جناب سیرت و شما به متون قدیم رجوع می‌کنید و استدلال می‌کنید نه به تحقیقات جدید

حالا من از شما سؤال می‌کنم که آیا از دید متون قدیم دینی که شما هر دو به آن اتکا می‌کنید و در مورد نباتات هم به متون قدم اتکا کردید و به تحقیقات جدید اعتقاد ندارید، عالم کسی است که نزد پادشاه می‌رود؟ بیایید ببینیم امام غزالی در مورد اینکه عالم نزد پادشاه می‌رود چه می‌گوید در کتاب کیمیای سعادت اثر مشهور امام غزالی طوسی (متوفی 505

هجری قمری) میخوانیم که از اولیای کرام نقل قول میکند و می نویسد: « و فَضِيلٌ مِيْ كُوَيْدٍ: »
همچند آنکه عالم به سلطان نزدیک شود از حق تعالی دور می گردد» و وهب می گوید: « این علما
که به نزدیک سلطان می شوند ، ضرر ایشان بر مسلمانان بیشتر است از ضرر مُقَامِرَان» و محمد
بن سلمه می گوید: « مگس بر نجاست آدمی نیکو تر از آنکه علما بر درگاه سلطان». (صفحه 381
جلد اول) نظر به این نوشتار امام غزالی پس جناب سیرت عالم دین شمرده نه میشود. حالا ما مردم
بی سواد و به گفته شما که من را در فیسبوک بی عقل خطاب کردید سخن کی را قبول کنیم. شما
می روید و به متون قدیم اتکا می کنید و ما هم از متون قدیم برای شما نقل قول کردیم. سخن شما را
قبول کنیم که آقای سیرت یک عالم دین است و یا سخن امام غزالی را که شهرتش در راستای علم
از حوزه اسلام خارج شد و امروز افکار او را در بخش فلسفه در دانشگاه های غربی تدریس
میکند؟ شما در مورد شناخت علمی یک شخص حق به جانب هستید و یا امام غزالی؟
جناب استاد احراری آیا شما از طرفداران طالبان هستید که حقوق زن و مرد را نگاه مدنی مساوی
نه میدانند مانند شما و سیرت، زنان را بدون ثبوت جرم سنگسار میکنند. کودکان را به حملات
انتحاری تشویق میکنند، مردم بی گناه را می کشند؟ اگر جواب شما درین مورد «نی» است پس شما
چطور از یک شخصی دفاع می کنید که از طالبان در زمان فتح مزار طرفداری کرد؟ همین عدالت
شما است؟ بلی آقای سیرت برای منافع قدرت خواهی از طالبان دفاع کرد و این ثبت تاریخ
افغانستان شده است. تکرار از شما جناب احراری سؤال می کنم که آیا دفاع از طالبان به نفع اسلام و
مردم رنج دیده افغانستان است؟ دوستی شما با جناب سیرت نباید شما را در مقابل پروردگار مسئول
سازد زیرا ما و شما نظر به حکم قرآن ذره ذره جوابگوی اعمال ، گفتار و کردار خود هستیم.
جناب احراری شما می گوید که قرآن را باید متنی قبول کرد و نباید از هوا و نفس خود چیزی گفت
و یا تفسیر کرد. بسیار خوب در قرآن کریم آمده است که "ای مومنان یهودان و مسیحان را که [در
مقابله با شما] دوست و یاور همدیگرند به دوستی نگیرید" (آیه 51 سوره مائده). مگر عالم دین
شما، جناب سیرت برای احرار قدرت با خلیل زاد نماینده عیسویت و یهودیت دست دوستی دراز
نکرد؟ یا درین قسمت قرآن تفسیر دارد و در قسمت نباتات ندارد و باید به متون قدیم رجوع کرد؟
جناب احراری بیایید یک کمی بالای کار های علمی و اسلامی شما نظر افکنیم زیرا شما و هم
دستان مذهبی شما یک دانشمند بزرگ افغانستان را می خواهید کم زنید در حالیکه هیچکدام شما به
سویه پروفیسور یونس نه درس خوانده اید و نه تحقیق کرده اید و نه مقام علمی واقعی دارید
جناب احراری شما مترجم احادیث صحیح بخاری هستید. شما متیقن هستید که هیچ کمی و کم بودی
در احادیث وجود ندارد و این نکته تحقیقاتی را که احادیث یک و صد پنجاه سال بعد جمع آوری شده
و امکان دارد اشتباه رخ داده باشد ، شما صد در صد درست میدانید. سؤال اول این است که شما و
آقای سیرت کسانی که احادیث را قبول ندارند کافر می شمارید . 150 سال که حدیث نبود آیا مردم
کافر بودند؟

من در فیسبوک از شما سوال کردم که نظر شما در مورد سنگسار چیست و شما خاموش ماندید. شما
چندین حدیث را در مورد سنگسار ترجمه کردید. خاموشی در مسایل دینی رضایت است یعنی که
شما طرفدار سنگسار زنان در قرن بیست و یکم هستید برای اینکه برای شما سنت است. آقای
احراری آیا شما هرگز فکر کرده اید که چه را ترجمه کنید و چه قابل ترجمه نیست؟ معلوم میشود
شما خبر نداشتید که یک تفاوت عمده بین حدیث یعنی گفتار پیامبر و سنت و روش زندگی پیامبر

وجود دارد و سنت ها می تواند مقید به زمان و مکان باشد و حدیث شکل جهانی دارد و مقید به زمان نیست. شما وقتیکه احادیث سنگسار را ترجمه می کنید حتما به تطبیق آن هم اعتقاد دارید. جناب احراری عزیز: شما در صفحه 148 جلد پنجم صحیح بخاری در پاورقی نوشته اید که "اگر کسی به زن خود بگوید که اگر به فلان خانه رفتی، طلاق هستی. وی اگر به همان خانه رفت طلاق میشود" سوال من از شما این است که منبع قوانین اسلامی قرآن و سنت و حدیث است. در کجا پیشوای اسلام گفته است که اگر زن به خانه مادرش و یا پدرش و یا برادرش بدون اجازه رود طلاق میشود؟ شما این جمله را از کجا گرفته اید؟ جناب احراری شما متوجه شده اید که شما یک مطلب را نوشته اید که مخالف قرآن است؟ قرآن می گوید که "والارحام" یعنی از خویشاوندان مبرید. "فلان خانه" که شما نوشته اید میتواند خانه مادر و پدر باشد. آیا رسول کریم زنان را گفته است که وقتیکه خانه پدر و مادر تان می روید اجازه بگیرید؟ حدیث این مسئله در کجا است؟ شما و آقای سیرت بار بار گفته اید که احادیث بیان قرآن است. انشالله که ازین مطلب انکار نه میکنید. موضوع که شما نوشته اید نه تنها بیان قرآن نیست بلکه مخالف قرآن است.

یک مثال دیگر از زن ستیزی شما و آقای سیرت و دیگر مذهبیبون از کار های شما نقل قول میکنم که شما با کار های غیر علمی تان چقدر مردم را بیراه کرده اید. در صحیح بخاری و مسلم آمده است و مذهبیبون بار بار این حدیث را نقل قول کرده اند که زنان را ناقص العقل خوانده است. حدیث جعلی چنین است: "از عبدالله بن عمر (رض) روایت شده است در میان زنان که عقل و دین شان ناقص است به خاطر دو شاهد زن و یک شاهد مرد و اینکه زنان در طول ماه گاهی نماز نه می خوانند و گاهی در ماه رمضان روزه نه می گیرند." جناب احراری صاحب محترم این گناه زنان نیست که تکلیف ماهانه دارند و یا از نماز معذور هستند و این حکم خلقت و قانون خلقت و طبیعت است. شما عدالت خداوند را با این حدیث جعلی و ترجمه آن زیر سوال می برید. این حدیث چنین معنی میدهد که خداوند خواسته است که آنها ناقص العقل باشند. در حالیکه در خلقت انسان چه مرد باشد و یا چه زن باشد خداوند تبعیض نکرده است و در سوره القیامه آیات 37، 38 و 39 می گوید " آیا نطفه از منی که در رحم ریخته شده بود نبود؟ (37) ، سپس خون بسته بود که [خداوندش] آفرید و بسامان کرد (38) ، و از آن جفتی نرینه و مادینه پدید آورد (39) آیات فوق می رساند که جزیی ترین کمی و کاستی در خلقت انسان چه مرد باشد چه زن باشد در قرآن دیده نه میشود. و هر دو زن و مرد از نفس واحد خلق شده است. پس آقای احراری یک حدیث جعلی را که مخالف قرآن است در متون دینی ما داخل شده است و شما توجه نکرده اید و ترجمه کردید و امروز هزاران نادان، زنان را ناقص العقل می گویند. و شما و همراهان تان باعث تبعیض در جامعه شده اید

جناب احراری شما وقتیکه ما گفتیم که یهودان و عیسویان کافر نیستند شما و آقای سیرت بسیار عصبی شدید. تحقیقات نشان میدهد که در هیچ موضع قرآن خداوند به یهود و عیسوی کافر نگفته است اما شما و آقای سیرت چون زیر تاثیر افکار وهابی قرار دارید زیرا او در عربستان با وهابی ها نان و نمک شده است و شما از او کاپی می کنید، تحقیقات ما را (استاد سمندر غوریانی و من) قبول نکردید. بیاید ببینیم داکتر یوسف قرضاوی که دوست شما آقای فضل غنی مجددی مسلسل در ماهنامه فقه از فتوی های قرضاوی نقل قول می کند و قرضاوی در تلویزیون الجزیره میلیون ها بیننده دارد، و از بزرگترین عالم اهل تسنن در خاور میانه به شمار میرود درین

مورد چه می گوید :

دکتور یوسف قرضاوی در کتاب مشهورش به نام حلال و حرام در اسلام که به زبان های فارسی و انگلیسی ترجمه شده در متن فارسی مینگارد «[قرآن] مسلماً نسبت به اهل کتاب از یهود و نصاری اهمیت خاص داده است و به ایشان احترام می گذارد، خواه تحت سلطه اسلام باشند یا خارج از قلمرو اسلام قرار گیرند. قرآن آنان را جز به (یا اهل الکتاب) و (یا ایها الذین اتوا الکتاب) خطاب نمی فرماید ، و بدین وسیله اشاره می فرماید که آنان در اصل صاحب دین آسمانی هستند ، و نسبت به مسلمانان خویشاوند و ذوالقربی می باشند و این نزدیکی و خویشاوندی در اشتراک آنان در اصول دین آسمانی با مسلمانان نمایان می گردد که تمام انبیاء برای ابلاغ این اصول مبعوث شده اند. جناب احراری شما درین مسله بسیار پافشاری کردید مثلیکه و هابی ها کافر میدانندو جالب اینکه دوست شما آقای سیرت از یک طرف ایشان را کافر می گوید و از طرف دیگر دست دوستی با کفار دراز میکند تا رئیس جمهور افغانستان شود. آیا این منافقت نیست؟ همان رویه که و هابی ها یهود و نصاری را کافر می گویند و اما امریکا از عربستان سعودی حمایه می کند!! اما در حالیکه همه مفسرین یهود و نصاری را اهل کتاب می دانند.

جناب احراری شما که کتاب الادب المفرد را ترجمه کردید و به من اهدا کردید ، در صفحه اول آن به من نوشتید که " اهداء به فاضل دانشمند و پژوهشگر و محقق ارجمند جناب داکتر محمد فرید یونس ". حالا چطور شد که من یک باره نادان شدم و بی عقل شدم با اینکه من معتقد به گفتار ارسطو هستم و به نادانی خود اعتراف می کنم و او گفته بود که "میدانم که نه میدانم". اما شما چطور نادانسته من را فاضل دانشمند خطاب کردید و حالا دفعتاً من بی عقل نادان شدم؟ این به خاطر این است که امروز در اثر تحقیقات و مطالعات پروفیسور محمد شفیق یونس اشتباهات همه شما بر ملا شد و شما همه که جاغور علمی ندارید ، صلاحیت علمی ندارید ، فوراً مانند کاهنان دوران فرعون (فیلم حضرت یوسف را ببینید) عصبی شدید و قلم به دست شدید تا از منافع خود دفاع کنید زیرا شما از خدا نه می ترسید. شما از دست دادن منافع خود می ترسید. اگر جناب سیرت برای خدا کار میکرد بعد از اینکه خلیل زاد فریبش داد می رفت در کابل معلم میشد و ثابت میکرد که به مردم خود خدمت میکند و اما چون نیت او خدمت به خدا و مردم نیست در کشور به گفته شما " کفار " مانند شما زندگی میکند و هر روز با چند تن از اشخاص منفعت جو هی در تلاش است تا چطور کابل رود و بلاخره رئیس جمهور شود. به شما اطمینان میدهم در چند مورد وعده های درست به امریکا بدهد او را مانند غنی به کرسی قدرت کاذبی خواهد نشاند.

جناب آقای احراری من دیگر جواب هیچ کس را حتی بعد از نشر قسمت دوم مقاله غیر علمی شما نه میدهم. جواب سه مذهبی را دادم ، کافی است. اما سخن آخر من به شما و آقای سیرت که مردم را با دکتورای افتخاری فریب داده است این است: آن دوران که تحصیل یافتگان در مقابل ملا های مانند شما خاموش می نشستند از هم پاشیده است. آن شرایط قومی و قبایلی که هر کس باید خاموش باشد که فلانی جان وزیر صاحب است ، خان صاحب است ، حضرت صاحب است و فلانی کلان است آزرده نشود، گذشت. حالا دوران حقایق دین و تاریخ است. تا که من حیات دارم به جواب شما مردم متعصب ، تنگ نظر، زن ستیز و کودک ستیز که جناب سیرت نکاح چهارساله را روا می دارد ، خواه داد. و شما در فیسبوک نوشتید که به مذهبی بودن خود افتخار میکنید و شکر کردید که لا مذهب نیستید. به گوش من زدید که من مذهب ندارم. بلی من پیرو هیچ مذهب نیستم زیرا این

هم ساخت و بافت انسان هاست نه محمد(ص) شما یک حدیث پیشکش کنید که محمد شیعه بود و یا سنی. شما با مذاهب مردم را به تعصب و تفرقه دعوت می کنید و مهمتر اینکه گفته مشهور است که "جواب بی پیر را لامذهب میدهد"

هژدهم ماه نوامبر 2015 میلادی. ایالات متحده امریکا